

## نمک‌مالی نوزادان

### نوآوری و سنت در روش‌های پیشامدرن مراقبت نوزادان\*

میکل فورکادا<sup>۱</sup>

ترجمه زینب پیری<sup>۲</sup>

#### مقدمه

در نگاه نخست شاید چنین به نظر برسد که نمک‌مالی روی پوست نوزاد برای محافظت از او در برابر عوامل خارجی، امری جزئی در مراقبت نوزادان در پزشکی یونان باستان و دوره اسلامی بوده است. اما مطالعه تاریخ این روش در پزشکی یونانی و اسلامی و همچنین مطالعه دیدگاه‌های ابو مروان بن زهر (۵۵۷ ق) درباره این موضوع، سرنخ‌های سودمندی برای فهم موضوع‌های مختلف به دست می‌دهد: نخست، پیشرفت پزشکی کودکان نزد عرب‌ها و مسلمانان؛ دوم، جنبه‌های درونی تغییر تعلیمات نظری و انتقال آن در علوم پزشکی دوره اسلامی؛ سوم، ارتباط میان پزشکی تخصصی و پزشکی سنتی؛ و در نهایت، مسئله نوآوری بحث‌انگیز در آثار ابن زهر، که شاید برجسته‌ترین پزشک در تاریخ اندلس (شبه جزیره مسلمان ایریا) باشد. می‌دانیم که روش‌های نوآورانه بسیار و پیشرفت‌های اساسی در دانش پزشکی به‌طور سنتی به ابن زهر منسوب شده است. اما بررسی انتقادی جامعی در دست نیست تا جزئیات روش‌های ابن زهر را به تفصیل شرح دهد و مشخص کند چه مقدار از آن‌ها واقعاً نوآوری‌های او هستند. هدف این مقاله تشریح یکی از این نوآوری‌ها و شاید ساده‌ترین آن‌هاست که دانشمندان تاکنون به آن توجه نکرده‌اند، اما اسناد کافی درباره آن موجود است که بتوانیم گزارشی جامع از پیشینه آن، نتایج، دلایل معرفی و موفقیت نسبی این روش عرضه کنیم. گرچه نتیجه‌گیری‌های این مقاله به‌طور کلی از منابع اندلسی و اسپانیایی گرفته شده است، سرنخ‌های سودمندی برای فهم آنچه در نواحی جغرافیایی دیگر و دوره‌های تاریخی دیگر انجام شده، به دست می‌دهد.

\* این مقاله ترجمه‌ای است از:

Miquel Forcada, "Salting Babies. Innovation and Tradition in Premodern Procedures for Neonatal Care", *Suhyal*, no. 11 (2012), pp. 155-178.

برخی از پانویس‌های غیرضروری مقاله حذف شده است. - میراث علمی  
۱. استاد مطالعات اسلامی دانشگاه بارسلون، اسپانیا، mforcada@ub.edu  
۲. کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، zainab.piri@gmail.com

## نمک مالی نوزاد

جالینوس در حفظ الصحة، مهم‌ترین رساله‌اش در بهداشت، می‌گوید:<sup>۱</sup>

پس به نوزادی<sup>۲</sup> که در خلقت اصلیش نقصی نیست باید در ابتدا به آرامی پودر [نمک] زده شود و در قنطاق پیچانده شود تا پوستش ضخیم‌تر و محکم‌تر از اعضای درونیش شود. زیرا در دوران حاملگی همه چیز به‌طور یکسان لطیف بوده است و هیچ چیزی از طبیعت سخت‌تر بیرون با او تماس نداشته است و هیچ هوای سردی به درون او وارد نشده است، که به‌موجب آن پوست منقبض و محکم شود و از آنچه پیش از آن بوده سفت‌تر و محکم‌تر شود. لیکن وقتی نوزاد متولد شود، لزوماً با سرما و گرما و بسیاری اجسام سخت‌تر از خود تماس پیدا می‌کند. از این رو جا دارد پوشش طبیعی او را برای تماس با بیرون آماده کنیم.

برای نوزادان طبیعی، پودر نمک ساده کافی است؛ زیرا نوزادانی که باید برگ خشک مورد سبزی یا چیز دیگری از این گونه بر آنها پاشیده شود، ظاهراً طبیعی نیستند. جالینوس توصیه می‌کند که به نوزادان مانند گوشت خوک، نمک بمالند تا پوستشان محکم شود. استفاده از نمک برای نوزادان، گرچه شاید عجیب به نظر برسد، در فرهنگ سامی از دیرباز کاری عادی و ظاهراً هدف اصلی آن پاک‌سازی بوده است. این رسم که در تورات (حزقیال ۴: ۱۶) هم آمده، تا زمان‌های اخیر میان یهودیان رایج بوده است. اعراب شامی و دیگر مردم آن منطقه نیز به کودکان خود نمک می‌مالیدند و برخی هنوز این کار را انجام می‌دهند. این عمل در سوریه، فلسطین، اردن، قطر، شمال عربستان، غرب ایران و ترکیه نیز مشاهده شده است. این روش، تحت نفوذ ترکیه، به بعضی نواحی بالکان و یونان نیز گسترش یافت. اعراب نیز تا حد زیادی مانند جالینوس باور دارند که نمک، پوست نوزاد را محکم و او را از هوای بیرون محافظت می‌کند.

استفاده از نمک در پزشکی یونان نسبتاً رایج بوده است، زیرا منابع معتبر در مراقبت نوزاد نیز مانند جالینوس، نمک را برای محکم کردن و پاک‌سازی پوست توصیه می‌کرده‌اند. در ابتدای قرن دوم میلادی، سورانوس در رساله‌اش در باب بیماری‌های زنان به روشی مشابه روش جالینوس در نمک مالی اشاره می‌کند که پیچیده‌تر اما کم‌زیان‌تر است:

پس روش زیر در نمک پاشیدن می‌تواند قابل قبول باشد. نمک پودر شده نرم، بورق یا افرونظرون را بر [پوست] نوزاد پاشید. باید مراقب چشم‌ها و دهان بود زیرا اگر نمک وارد

1. Galen, *De Sanitate Tuenda*, ed. Konrad Koch, *Corpus Medicorum Graecorum*, V 4, 2 Berlin-Leipzig: Teubner, 1923, p. 16; trans. H. E. Sigerist, *A Translation of Galen's Higiene (De Sanitate Tuenda)*, Springfield: Charles C. Thomas Publisher, 1951, pp. 22-23.

۲. اشاره به بخشی که در آن جالینوس توضیح می‌دهد قوانین بهداشتی باید از همان ابتدای تولد رعایت شود تا شخص در طول زندگی تندرست بماند.

این اعضا شود زخم، التهاب شدید یا خفگی ایجاد می‌کند. نمک زیاد هم نباید پاشیده شود زیرا بوی تند زیاد باعث تحلیل رفتن جسم او که هنوز ظریف و خیلی ضعیف است، می‌شود. در ضمن نمک نباید کم باشد زیرا سطح پوست به قدر کافی محکم نمی‌شود. اما چون نوزاد ظریف و شکننده است، شاید لازم باشد که نمک کوبیده با عسل، روغن زیتون، عصارة جو، شنبلیله یا گل خطمی ترکیب شود. پس از تمیز کردن بدن نوزاد، او را باید با آب ولرم حمام کرد و تمام آب نمک روی بدن را شست. این کار باید دوباره انجام شود: نمک را روی بدن نوزاد پاشید اما آن را با آب گرم‌تر بشوید.

نمک به تنهایی به کار نمی‌رود بلکه با مواد دیگر مخلوط می‌شود و سپس برای جلوگیری از آسیب، از روی پوست شسته می‌شود. اوریباسیوس (حدود ۳۳۰-۴۰۰ م)، شاید به تبعیت از روفوس افسوسی (زنده در اواخر سده اول میلادی)، بدون ذکر منبع، روش جالینوس را آورده است. اوریباسیوس، بر خلاف تجویز جالینوس و در موافقت با سورانوس، توصیه می‌کند نوزاد با جوشانده جو یا شنبلیله شستشو و روغن مالی شود. کمی بعدتر، اطیوس آمدی (زنده در سده ۵ و ۶ م) به همین روش اشاره می‌کند. پس مالیدن نمک بر پوست نوزاد ظاهراً بخشی از مراقبت نوزاد از دوران امپراتوری روم به بعد بوده است.

برخی از ماهرترین پزشکان عصر طلایی پزشکی اسلامی تحت تأثیر پزشکی یونانی استعمال نمک را در آثار گوناگون توصیه کرده‌اند؛ چه در کتاب‌های جامعی مانند الکامل فی الطب اثر مجوسی (درگذشته بین ۳۷۲-۳۸۴ ق) و القانون فی الطب از ابوعلی سینا (حدود ۳۷۰-۴۲۸ ق)،<sup>۱</sup> یا در رساله‌هایی در باب بیماری‌های کودکان یا زنان مانند کتاب سیاسة الصبیان و تدبیرهم از ابن جزار (درگذشته ۳۵۹ ق)، کتاب تدبیر الحبالی والمولودین از عریب بن سعید (درگذشته ۳۶۹ ق) و کتاب تدبیر الحبالی والاطفال والصبیان از بلدی (حدوداً اواخر سده ۴ ق). اما منبع اصلی این نویسندگان، رساله بهداشت جالینوس نیست که تنها بلدی، به طور ضمنی، و ابن جزار از آن نقل کرده‌اند.

روشی که همه، غیر از علی بن عباس مجوسی (در کامل الصنعة الطبیة) توضیح می‌دهند بیشتر شبیه روش‌های سورانوس و اوریباسیوس است. از یک سو نمک که همچنان عنصر اصلی محسوب می‌شود، با مواد دیگر مخلوط می‌شود؛ از سوی دیگر ترکیب حاصل یا با آب رقیق می‌شود یا با شستن از روی پوست برداشته می‌شود.

بلدی که رساله‌اش درباره سلامت کودکان جامع‌ترین اثر در میان سه رساله مذکور است و نقل قول‌های روشنی از منابع یونانی دارد، این موضوع را به تفصیل توضیح می‌دهد:<sup>۲</sup>

۱. هیچ ارجاعی به کاربرد نمک در کتابچه‌های راهنمای مشابه آن دوران نیافتیم؛ به‌عنوان مثال در: طبری، فردوس الحکمة فی الطب؛ ابوالقاسم الزهرای، کتاب التعریف؛ ابن جزار، زادالمسافر.  
۲. البلدی، تدبیر الحبالی، تصحیح محمود قاسم محمد، دارالرشید بغداد، ۱۹۸۰، ص ۲۰۱-۲۰۴.

به بدن او، بجز دهان و بینی، باید مقدار مناسبی نمک بمالید تا پوستش محکم‌تر و سفت‌تر از اندام‌های درونیش شود. زیرا وقتی جنین در زهدان بوده است، همه این اندام‌ها یکسان نرم بوده‌اند، چراکه چیزی از طبیعت سخت‌تر خارج با بدن وی تماس نداشته، همچنین نوزاد مجبور به تحمل هوای سرد نبوده است. بنابراین هیچ چیزی وجود نداشته است که در پوست او نفوذ و آن را آلوده کند تا به‌موجب آن پوست محکم‌تر و سفت‌تر از بقیه اعضای بدن او شود. وقتی جنین متولد می‌شود، لزوماً در معرض گرما، سرما و اجسام زیادی قرار می‌گیرد که از او سخت‌تر هستند. به همین دلیل، باید پوشش طبیعی یعنی پوست او را چنان آماده کنیم که در بهترین وضعیت برای تحمل خشونت عوامل بیرونی باشد. به این منظور، تنها نمک برای کودکان مناسب است. پس لازم است به محض تولد نوزادان روی بدن آن‌ها نمک بمالیم و سپس آن‌ها را به آرامی در آب فروبریم تا آلودگی‌شان از بین برود. سپس با آب ولرم آن‌ها را بشوییم تا از همه آلودگی‌ها پاک شوند...

برخی توصیه می‌کردند که کودکان به محض تولد با آب شنبلیله و آرد جو شسته شوند؛ برخی دیگر نمک را به همراه مورد سبز، گل سرخ، برگ بو، برگ درخت پسته، قسطس یا مالابثرون، به‌طور جداگانه یا با یکدیگر توصیه می‌کردند. لازم است این مفردات طبق مزاج‌ها و موطن‌ها استفاده شوند، زیرا پیش می‌آید که مزاج و موطن‌هایی که گرم هستند نسبت به مزاج کودک سرد باشند و آن‌هایی که سرد هستند نسبت به مزاج کودک گرم باشند. شاید کسی گمان کند تنها نمک برای دستیابی به مزاج متعادل کافی است؛ درباره آنچه در آب جوشانده می‌شود تا کودک با آن حمام شود، باید دقیقاً از روشی پیروی کرد که پزشکان طبق آب و هوای خاص منطقه تجویز می‌کنند. به همین دلیل هر اقلیمی باید روش خود و درواقع، رسمی داشته باشد که ساکنانش از آن پیروی کنند.

متداول‌ترین روش، تلخیصی از متن مذکور است که مفردات افزودنی به نمک را با ذکر اینکه ترکیب حاصل باید پس از زمان کوتاهی شسته شود نام برده است. اولین پزشکی که به این موضوع اشاره می‌کند ابن جزار، حکیم اهل قیروان است:<sup>۱</sup>

نوزاد باید از همان ابتدای تولد تحت درمان باشد. بند ناف او را باید به فاصله چهار انگشت برید و در طول یک ساعت بعد از زایمان، به آرامی به او آب نمک پاشید تا پوستش سفت‌تر شود. برخی مردم نمک را با مالابثرون، قسطس، سماق، شنبلیله و آویشن وحشی<sup>۲</sup> مخلوط و پودر می‌کنند. جالینوس گفته است برای کودکان طبیعی نمک پاشیدن کافی است؛ و اگر کسی درباره طبیعت آن‌ها نگران بود باید پودر برگ مورد سبز یا چیزی از این دست همراه

۱. ابن جزار، کتاب سیاست الصبیان و تدبیرهم، تصحیح محمد السویسی و همکاران، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۸۴، ص ۴۷-۴۸.

۲. عرب به جای آویشن، جو را توصیه می‌کند.

نمک بر آن‌ها بیاشد. نمک را باید به تمام بدن نوزاد بجز بینی و دهان پاشید و چندی روی بدن او گذاشت تا آلودگی از بین برود، سپس باید او را شست تا پاکیزه شود.

عرب بن سعید<sup>۱</sup> این نوشته ابن جزار را تقریباً کلمه به کلمه تکرار می‌کند، شاید به این دلیل که منبع اصلی او همین است. ابن سینا نیز در قانون کم و بیش همین را می‌گوید با این تفاوت که او آب نمکی را تجویز می‌کند که ترکیبی از مالابثرون، قسطس، سماق، شنبلیله و آویشن وحشی به آن افزوده شود.<sup>۲</sup> بنابراین، نوزاد نمک‌مالی نمی‌شود بلکه با آب نمک معطر حمام و سپس با آب ولرم کاملاً شسته می‌شود. این دو روش، چه تلخیص شده و چه کامل، با هیچ منبع یونانی که می‌شناسم دقیقاً مطابقت ندارند اما به آن‌ها بسیار شبیهند. احتمالاً بلدی و دیگران و امدمار مؤلفان یونانی بودند که منبع اصلی آن‌ها نیز روش سورانوس بوده است، گرچه، مرجع خاصی برای این ادعا نداریم. بنابراین، از رساله بهداشت جالینوس، چنان‌که در شأن آن است، در منابع اسلامی صریحاً یا تلویحاً نقل قول شده، اما به روش مقدماتی او اغلب بی‌توجهی شده است.

تقریباً هیچ اطلاعاتی درباره مراقبت از نوزادان در دست نداریم، زیرا به نقل از علی بن سهل ربن طبری، از تأثیرگذارترین پزشکان بغداد در سده ۳ ق [توجه به] سلامت کودکان کاری زنانه بود. او در کتاب فردوس الحکمة فی الطب، اولین کتاب مهم پزشکی در طب اسلامی، می‌گوید:<sup>۳</sup>

من [در فصل بهداشت و تغذیه کودک] گفته حکیم جالینوس را خلاصه کرده‌ام چون می‌دانم قابله‌ها و پیرزنان به مسائلی توجه می‌کنند که پزشکان به آن دقت نمی‌کنند.

بنابراین دانستن این که واقعاً چه اتفاقی برای نوزادان می‌افتاده، تا حد زیادی به خاطر سنت شفاهی قابله‌ها و پیرزنان از بین رفته است و تنها ردپای کمرنگی از آن در رساله‌های پزشکی یا منابعی دیده می‌شود که کاملاً از نظر موضوعی متفاوت هستند و بررسی جامع آن در حیطه مقاله حاضر نیست. در مورد کاربرد نمک، بر اساس گزارش‌های پزشکان و کاربرد کنونی آن، می‌توان فرض کرد که اعراب بدوی و دیگر مسلمانان، کم و بیش مطابق توصیه جالینوس، و مشابه آنچه امروزه انجام می‌شود به نوزادان خود نمک می‌مالیدند و حتی امروزه نیز این کار را می‌کنند. والدینی که قادر بودند قابله‌ای حرفه‌ای را، که تحت تعلیم و نظارت پزشکی خبره بود، داشته باشند احتمالاً فرزندان خود را به روش سورانوس نمک می‌مالیدند که ظاهراً از روش جالینوس مطلوب‌تر بوده است. با این حال کسانی طبق سنت‌های قدیمی دیگر که به آن‌ها خواهیم پرداخت یا دیدگاه‌های پزشکی دیگر، هرگز به نوزادانشان

۱. عرب بن سعید، تدبیر الجبالی والمولودین، تصحیح هنری جاهیر و عبدالقادر نورالدین، الجزایر: کتابخانه فراریس، ۱۹۵۶، ص ۵۱.

۲. ابن سینا، القانون فی الطب، بیروت: دار صادر (۳ ج)، ج ۱، ص ۱۵۰.

۳. علی بن سهل ربن الطبری، فردوس الحکمة، ص ۷۳.

نمک نمی زدند. ابن سینا در سروده معروفش در پزشکی، ارجوزة فی الطب، مناسبترین روش را توضیح می دهد. هدف این روش، همان محکم کردن پوست نوزاد است؛ اما ارزان تر و ساده تر از روش پیچیده ذکر شده در کتاب قانون و البته کم زیان تر از نمک زدن است: «پیش از قنطاق کردن، نوزاد را با روغن قابض تدهین و سپس حمام کنید».<sup>۱</sup> از سوی دیگر، کتاب المنصوری فی الطب، تألیف رازی (۲۵۱-۳۱۳ ق) که برای پزشکان دوره اسلامی به قدر کامل مجوسی یا قانون ابن سینا اعتبار دارد، در باب مراقبت نوزاد، به موادی که باید به بدن نوزاد پاشید یا مالید، صریحاً اشاره نمی کند.<sup>۲</sup>

گوش های نوزاد را پس از تولد و بعد آن باید بمکید. مراقب باشید که در دوران شیردهی، شیر وارد گوش ها نشود. به سقف دهان نوزاد غسل بمالید. پاک کردن بینی او با آب گرم و روغن لازم است. همچنین بدن او را باید بمالید و روغن مالی کنید و اعضای بدنش را به جهت های مناسب بکشید، او را قنطاق کنید و اعضای مختلف سر، پیشانی و بینی او را آرام مالش دهید. با این تدابیر، نوزاد در برابر بسیاری از بیماری ها در امان خواهد بود.

### ابن زهر، نمک و روغن بلوط

تا جایی که می دانم، تنها کسی با کاربرد نمک برای نوزادان مخالفت کرد، ابن زهر در نیمه سده ۶ هجری بود. کتاب الاغذیه او، نگاشته بین ۵۴۲-۵۵۷ ق یا کمی زودتر، رساله ای درباره خواص غذا و تغذیه است که از مهم ترین موضوعات در «تدبیر» پزشکی دوره اسلامی بوده است. اما در بسیاری موارد، مؤلف از موضوع اصلی کتاب منحرف شده و به جنبه های دیگر این تدبیر پرداخته است. در فصلی با عنوان «القول فی تدبیر الأطفال» که عمدتاً به تغذیه شیرخواران اختصاص دارد می خوانیم:<sup>۳</sup>

بدن کودک به دلیل داشتن استخوان بندی نرم [و به دلایل مشابه] مانند پنیر تازه است. قابله باید آنچه [در بدن نوزاد] نیاز به اصلاح دارد را با منتهای دقت و صبر اصلاح کند [که زمان زیادی طول می کشد]. اگر نوزاد را حمام می کند، باید با آب ولرم و شیرین<sup>۴</sup> باشد، تا جایی که او تحمل داشته باشد و هوا باعث صدمه به بدنش نشود. پیشینیان و بسیاری از یونانیان، برای سفت کردن بدن کودک و مقاوم کردن او در برابر هوا، به او نمک می پاشیدند و این کار را به گونه ای انجام می دادند که باعث بیماری یا صدمه وی نشود.<sup>۵</sup> به نظر من نمک نوزادان را

۱. ابن سینا، ارجوزة فی الطب، تصحیح هنری جاهیر و عبدالقادر نورالدین، پاریس Les Belles Lettres، ۱۹۵۶، بیت ۹۳۸، ص ۷۲. ظاهراً طبق گفته ارباسیوس این روش ساده نیز بر مبنای منابع یونانی است.

۲. رازی، کتاب المعرفة فی الطب، تصحیح حسن البکری الصدیقی کویت، منشورات معهد المخطوطات العربية، ۱۹۸۷، ص ۲۳۱-۲۳۲.

۳. همان، ص ۱۲۹.

۴. ظاهراً این رد آشکار روش ابن سینا در حمام با آب نمک بود.

۵. دو توضیح درباره موضوع مورد بحث ابن زهر وجود دارد که نشان می دهد نمک به نوزادان یونانی آسیب نمی رساند. اول اینکه با به کار بردن گزیده ای از کتاب البلدی که در بالا نقل شده است و آنکه نمک خالص برای آن ها که در آب و هوایی

می‌سوزاند و ممکن است آن‌ها را بی‌خواب کند. زیرا چنان‌که گفتم، نوزاد مانند پنیر تازه است و نمی‌تواند درد و بی‌خوابی را تحمل کند. او مانند گلی است که به خاطر کمترین گرما یا تحمل کمترین تشنگی ریشه‌اش پژمرده و خشک می‌شود. بنابراین، نوزاد نه می‌تواند تلاشی کند و نه می‌تواند درد را تحمل کند و بی‌خوابی او را ضعیف می‌کند...  
گمان می‌کنم نمک برای بدن او مناسب نیست و به نظرم برای این منظور چیزهای دیگری مانند روغن بلوط هست که بهتر از نمک است و همان اثر سفت‌کنندگی را دارد اما نه می‌سوزاند و نه باعث بی‌خوابی می‌شود.

ابن‌زهر یکی دیگر از «نوآوری»های معروف خود را برای تطبیق با روش جالینوس شرح می‌دهد (که گرچه به‌صراحت بیان نشده، اما در پاراگراف دوم به آن اشاره کرده است). چنان‌که ذکر شد، گرچه استفاده از روغن بلوط به‌جای نمک ممکن است ظاهراً تغییری جزئی باشد، اما به ما کمک می‌کند تا سیر تحول روش مراقبت نوزاد در پزشکی سده‌های میانه (و به‌ویژه در جوامع مسلمان و مسیحی شبه جزیرهٔ ایبریا) و روش نوآورانهٔ ابن‌زهر را دریابیم. بحث دربارهٔ روغن بلوط یا نمک باید در سطوح مختلفی تحلیل شود، که نخستین آن تاریخی و نظری است، زیرا ابن‌زهر هم‌عصر و هم‌وطن بسیاری از طبیبان فیلسوف مانند ابن‌باجه (درگذشتهٔ ۵۳۳ ق) و ابن‌رشد (درگذشتهٔ ۵۹۴ ق) بود که اصولاً منتقد جالینوس بودند. اینان از روند فکری تبعیت می‌کردند که می‌توانیم آن را ارسطویی جدید بنامیم که مرجع اصلی آن فارابی فیلسوف (درگذشتهٔ ۳۳۹ - ۳۴۱ ق) بود. علوم فیزیکی و طبیعی (به‌ویژه پزشکی و رشته‌های پیوستهٔ آن، زیرا همهٔ این دانشمندان پزشک هم بودند) باید به سمت الگوی ارسطویی آن تغییر مسیر می‌داد.

از یک سو، این دانشمندان که دعوی علوم لایتناهی می‌کردند، می‌خواستند از هرگونه تناقض میان بنیان‌های نظری پزشکی و نظرات ارسطو جلوگیری کنند؛ از سوی دیگر در جستجوی راهی برای بیان و تعلیم پزشکی بر مبنای نظام طبقه‌بندی ارسطویی بودند. آنان بر سهم تجربه در پزشکی نیز تأکید می‌کردند و به تجربه، نه تنها به معنی جامع و کامل آن، بلکه به معنایی که ارسطو در آنالوطبقای ثانی، که منبع جامعی دربارهٔ دانش همگانی شد، توجه می‌کردند. فلسفهٔ ارسطویی طبیبان فیلسوف اندلسی با فلسفهٔ جالینوسی و آنچه آموزه‌ها و روش پزشکی فاقد صلاحیت تلقی می‌شد، تا حد زیادی در تقابل بود. این طبیبان فیلسوف، به‌ویژه ابن‌رشد، به ابن‌زهر احترام زیادی

→ خاص زندگی می‌کنند مناسب است. دوم اینکه به نظر من ابن‌زهر، مردم قدیم را بزرگ جته‌تر و مقاوم‌تر از هم‌عصران خود می‌داند؛ چیزی که دیگر طبیبان دورهٔ اسلامی نیز به آن باور داشتند. برای مثال مؤلف گمنام کتاب الطب القسطلی الملوکی که در اوایل قرن چهاردهم میلادی در کاستیل نگاشته شده است، می‌گوید که بر اساس مطالعهٔ استخوان‌های یافت شده، پیشینیان از مردم کنونی جتهٔ بزرگ‌تری داشتند و در برابر خون گرفتن یا خوردن دارو بسیار مقاوم‌تر بودند. اما مؤلف هیچ‌گاه دربارهٔ مقدار داروی تجویز شده در منابع یونانی صحبتی به میان نمی‌آورد.

می گذاشتند. آن‌ها، هم دانش وسیع او را در آثار پزشکی و هم توانایی او را در تبدیل نظریه به عمل که منجر به شرح و حل مشکلات پزشکی می‌شد، می‌ستودند. به همین دلیل، ابن‌رشد در نظر داشت کتاب الکلیات اثر بسیار مشهور و ارسطویی‌اش را که در آن اصول کلی یا «کلیات پزشکی» را شرح داده بود با کتاب التیسیر ابن‌زهر تکمیل کند. التیسیر منبع بسیار ارزشمندی از جزئیات بود، دانشی که در مواجهه نظری با مشکلاتی که بیماران خاص آن را مطرح می‌کردند به وجود می‌آمد.

بنابراین فلاسفه، ابن‌زهر را شخصی ماهر می‌دانستند که از آنچه در کتاب‌های راهنمای ساده گفته شده، و طبیبان هم‌عصرشان از آن‌ها کورکورانه پیروی می‌کردند، بسیار فراتر رفته بود. جا دارد بگوییم که جالینوس هدف انتقاد ابن‌زهر نیست زیرا او، با فرض اینکه نوزادان یونانی از نوزادان عرب قوی‌تر بوده‌اند، می‌گوید که این روش برای نوزادان یونانی مناسب بوده است. منظور او طبیبانی هستند که بدون در نظر گرفتن شرایط ویژه برای بیمار تحت درمان، از تعالیم جالینوس استفاده می‌کردند. بنابراین مسئله نمک پاشیدن به نوزاد دقیقاً همان بود که طبیبان فیلسوف در اثر بهترین و خیره‌ترین پزشک شناخته شده، می‌دیدند. از دیدگاهی عام‌تر، این نمونه خوبی هم از میزان تأثیرگذاری شخصیت نوآور ابن‌زهر است. اگر به این موضوع از دیدگاه معرفت‌شناسی توجه کنیم، می‌بینیم که منشأ این نوآوری در پژوهشی تجربی و نظام‌مند یا بازخوانی منابع یونانی با نگرش ارسطویی نیست. این روش اصلاحیه ساده‌ایست که با تجربه یا عقل متعارف و استنتاج، یا تلفیقی از همه این عوامل مرتبط است، درست مانند بسیاری انتقادات و نوآوری‌های دیگر که مکرراً در منابع دوره اسلامی دیده می‌شود. اگر وارد جزئیات شویم، شاید حتی عامل تجربه را در نظر نگیریم و بنابراین این نوآوری را تنها به عقل متعارف و استنتاج نسبت دهیم. ابن‌زهر در هیچ جای تلخیص خود نمی‌گوید که موردی واقعی را دیده است که در آن نوزاد خاصی به خاطر نمک‌مالی جوش درآورده، گریان یا بی‌خواب شده باشد؛ موردی را هم ندیده است که نوزاد بعد از مالیدن روغن بلوط با آرامش خوابیده باشد. در واقع، ابن‌زهر نظر خود را درباره نمک و روغن بلوط با عبارت «گمان می‌کنم...» ادامه می‌دهد، و از آنجا که عموماً فرض بر این است که پزشکان دوره اسلامی به زایمان زنان کمک نمی‌کردند، احتمالاً ابن‌زهر تجربه شخصی درباره این موضوع نداشته است. اموری که در این روش توصیف شده‌اند، تعبیر دیگری درباره مورد خاص ابن‌زهر به دست می‌دهد، زیرا دختر و نوه او از معدود زنان پزشکی بودند که در تاریخ پزشکی دوره اسلامی از آن‌ها نام برده شده است<sup>۱</sup> و از آن‌ها به‌عنوان معالج زنان و کودکان سلسله موحدون یاد می‌شود. گرچه ظاهراً این تنها یک

۱. ابن ابی اصیبعه، عیون الانبیاء فی طبقات الاطباء، تصحیح هنری جاهیر و عبدالقادر نورالدین، الجزایر: کتابخانه فراریس، ۱۹۵۸، ص ۱۰۴-۱۰۵.



حدس است، اما نباید این امکان را نادیده بگیریم که ابن‌زهر تجربه‌ای واقعی (البته غیر مستقیم) دربارهٔ مراقبت‌های نوزادان داشته و تجویز روغن بلوط دقیقاً به این دلیل بوده است که زنان خاندانش از آن به خوبی برای تدهین نوزادان بزرگان سلسلهٔ موحدون استفاده می‌کردند.

در هر حال، واقعیت این است که متن مذکور، تجربهٔ نمک‌مالی نوزاد را، مستقیم یا غیر مستقیم، نشان نمی‌دهد. شاید درک و استدلال شخصی ابن‌زهر این بوده است که نمک چون زخم را می‌سوزاند نمی‌تواند برای پوستی که پیرو گفتهٔ جالینوس هنوز کاملاً شکل نگرفته است خوب باشد. اما علم جالینوسی می‌گوید روی پوست نوزاد باید از داروی قابض و مواد پاک‌کننده استفاده کرد، و ابن‌زهر روغن بلوط را چون سوزش ایجاد نمی‌کند ترجیح داده است.<sup>۱</sup> پس این نوآوری غریب و موفقیت قابل توجهش ناشی از دو عامل است: یکی درک شخصی و دیگری اقتدار معنویش به عنوان یکی از معتبرترین پزشکان اندلس که دیدگاهش را در میان معتبرترین مؤلفان دورهٔ خود و پس از آن اعلام کرد. از سوی دیگر، راه حل [پیشنهاد شدهٔ ابن‌زهر] کاملاً هم اصیل نیست، زیرا ظاهراً از آغاز بیت ۹۳۸ *ارجوزة فی الطب ابن سینا الهام گرفته شده* باشد که می‌گوید: *ادهنها بالقابض* (او را با [روغن] قابض تدهین کن).

### روغن بلوط، پیشنهاد ابن‌زهر در میان پزشکان سدهٔ ششم هجری اندلس

گرچه نمک‌مالی نوزاد مسئله‌ای جزئی است، اما تأثیر دیدگاه ابن‌زهر در میان پزشکان اندلسی قابل توجه است. این روش تا اواخر دورهٔ نوزایی ادامه داشت. نخستین نقل‌قول‌ها، در میان حلقهٔ پزشکان موحدون که ابن‌زهر به آن تعلق داشت، پیش آمد. ابن‌رشد، که صادقانه ابن‌زهر را تحسین می‌کرد و در انتقاد از جالینوس بسیار صراحت داشت، اولین کسی بود که از او یاد کرد. او در کتاب *الکلیات*، در آغاز فصل در باب تغذیهٔ کودکان نوشت:

جالینوس گمان می‌کرد که نخستین درمان برای نوزادان، مالیدن بدن آن‌ها با نمک برای سفت کردن بدنشان در برابر عوامل خارجی است. به نظر من، مهم‌ترین نگرانی این است که مبادا نمک آن‌ها را بسوزاند. ابو مروان بن زهر گوید روغن بلوط همان تأثیر را بدون سوزش دارد.

این گزیده به نکته‌های بسیار جالبی اشاره می‌کند که محور اصلی آن توجه ابن‌رشد به آثار پزشکی ابن‌زهر به عنوان منبع دانش خاصی است. قانون کلی «پوست نوزاد باید چنان محکم شود که در برابر عوامل خارجی حفاظت شود» با دیدگاه پزشک تجربه‌دیده‌ای کامل می‌شود که، بنا بر تجربهٔ

۱. رساله‌های داروشناسی عربی از جمله *الادویة المفردة* اثر ابن‌وافد به قابض بودن بلوط اشاره می‌کنند.

شخصی، می‌گوید که بهترین ماده برای این منظور روغن بلوط است. جنبه دوم، انتقاد عمدی ابن‌رشد از جالینوس است، زیرا او بدون توجه به این نکته که ابن‌زهر واقعاً فکر می‌کرد درمان جالینوس برای نوزادان یونانی مناسب بوده است، بر ارجاعات عمومی ابن‌زهر به پزشکان یونانی تمرکز می‌کند. سومین جنبه قابل توجه، حذف هرگونه استناد ابن‌رشد به ابن‌سیناست که به نظر می‌رسد عمدی‌تر از آن است که بتوان آن را تصادفی دانست، زیرا پزشک فیلسوف اندلسی کاملاً از این حقیقت آگاه بود که اگر کتاب قانون روش نمک زدن معمول را تجویز کرده، ارجوزه نیز همان روشی را توصیه کرده است که ابن‌زهر ذکر می‌کند. باید گفت که ابن‌رشد در حواشی بر بیت ۹۳۸ ارجوزه فی الطب ابن‌سینا، صرفاً حرف‌های ابن‌سینا را تکرار می‌کند و بدون شرح بیشتری می‌افزاید که «دستور جالینوس کوبیدن و نرم کردن نمک و پاشیدن آن به نوزادان به محض تولد است». اگر چنان‌که من فکر می‌کنم، حذف ابن‌سینا در کتاب الکلیات ابن‌رشد عمدی باشد، این بیشتر مؤید نظریه محققانی است که می‌گویند ابن‌رشد معتقد بود جمع کتاب الکلیات او با کتاب التیسیر ابن‌زهر می‌تواند جایگزینی برای قانون ابن‌سینا به‌عنوان یک کتاب راهنمای تمام عیار پزشکی باشد. ابن‌طلموس (حدود ۶۲۰-۶۲۱ ق)، پزشک فیلسوف دیگر از دربار موحدون که شاگرد ابن‌رشد بود در شرحش بر ارجوزه ابن‌سینا از روغن بلوط ابن‌زهر یاد می‌کند.<sup>۱</sup> این متن را شاید بتوان چنین ترجمه کرد:<sup>۲</sup>

پس از این [بریدن بند ناف]، برای استحکام پوست بیرونی و تقویت غشای میانی، بدن او را باید سریعاً با نمک نرم پوشاند. باید سماق، قسطس، مالابثرون، شنبلیله و جو به آب افزوده شود. قاضی ابن‌رشد (رضی الله عنه) گفت که ابن‌زهر ذکر کرد که روغن بلوط برای نوزاد مناسب‌تر است چون پوست بیرونی را، بدون سوزش آن، محکم می‌کند.

ابن‌طلموس به‌واسطه کتاب الکلیات ابن‌رشد، درباره روغن بلوط مطلع شد و بدون انتقاد، دوروش مناسب برای استحکام پوست نوزاد را با هم مقابله کرد: روش ابن‌سینا، و روش ابن‌زهر که آن را با اجازه ابن‌رشد معتبر می‌دانست. پس این متنی آموزشی است که دیدگاه، تجربه مؤلف و انتقاد از جالینوس در آن مشهود نیست. در کل، این را از رساله‌ای می‌توان انتظار داشت که احتمالاً به تعالیم پزشکی در حلقه موحدین اختصاص داشته است. با اینکه رساله ابن‌طلموس درباره اتفاقات مربوط به نوزادان چیزی نمی‌گوید، به این اشاره می‌کند که پیشنهاد ابن‌زهر جایگاه خود را در میان راهنماهای پزشکی مراقبت نوزاد در اندلس یافته است.

۱. این شرح هنوز تصحیح و پژوهش نشده است. نک م. الخطیبی، الطب و الاطباء فی الاندلس الاسلامیة، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۸۸ که بعضی از بخش‌های شرح در آن تصحیح شده است.

۲. ابن‌طلموس، شرح ارجوزه ابن‌سینا الطیبیة، کتابخانه سلطنتی رباط، نسخه ۱۰۱۴، ص ۱۳۶؛ همچنین نک م. الخطیبی، همان، ص ۴۳۵.

## تداوم روش نمک‌مالی نوزاد و نظر ابن‌زهر

می‌دانیم که کتاب ابن‌زهر، از سده ۶ هجری به بعد، در جایگاه‌های مختلف مانند غرب جهان اسلام و شام و اروپای اواخر سده‌های میانه و دوره نوزایی اعتبار زیادی یافت. نظرات او درباره نمک پاشیدن به نوزاد در نواحی مسلمان‌نشین و مسیحی نشین قرن‌ها رواج داشت. قدیمی‌ترین یادکرد آن را در رساله‌ای مشابه کتاب الاغذیه<sup>۱</sup> او، با همان عنوان به تألیف ابن‌خلصون، پزشک غرناطی می‌توان دید. با وجود اینکه اطلاعات زیادی درباره او در دست نیست، ظاهراً دانشمند مهمی بوده که بین سده‌های ۷ و ۸ هجری در آخرین دوره سلطنت [مسلمانان] اندلس - سلسله نصریه - در غرناطه زندگی می‌کرد. او می‌گوید:

بر کودکان باید نمک پاشید تا در برابر اثرات گرما و سرما مقاوم شوند. این را جالینوس توضیح می‌دهد. اما ابن‌زهر می‌گوید روغن بلوط همان اثر را بدون سوزش پوست دارد. پاشیدن حنا به جای همه این‌ها که در این عصر رواج دارد بسیار خوب است، اما حنا را باید با مقدار یک سوم پودر مورد سبز و یک ششم نمک مخلوط کرد.

ابن‌خلصون جالینوس را هم‌پایه ابن‌زهر می‌شمارد و هیچ‌یک را برتر از دیگری نمی‌داند. روش ترجیحی او، روش «عموم» است که باز عملی متداول یعنی حنا مالیدن را شامل می‌شود که شاید به قدمت استفاده از نمک در میان فرهنگ‌های سامی است. تا جایی که می‌دانیم ابن‌خلصون درباره حنا مالیدن برای اولین بار در رساله‌ای پزشکی مطلبی آورده است. نوشتارهای قوم‌شناسی او ایل قرن ۲۰ میلادی، گسترش روش حنا مالیدن بر بدن نوزاد را در آفریقای شمالی، چه به‌تهایی و چه در ترکیب آن با روغن یا مواد دیگر، نشان می‌دهد. دلایل بسیاری برای این عمل وجود دارد، از سحر و جادو گرفته تا استفاده آرایشی، اما یکی از آن‌ها محکم کردن پوست است، درست همان‌گونه که پزشکان سده‌های میانه و مردم سامی از نمک استفاده می‌کردند.

ابن‌خلصون عمداً سنت‌های عامیانه و آیینی را در هم می‌آمیزد، احتمالاً چون می‌داند رساله‌های داروشناسی می‌گویند حنا قابض است و پوست را نمی‌سوزاند.<sup>۱</sup> بنابراین ترکیب حنا با مورد سبز و نمک را توصیه می‌کند که موادی هستند که جالینوس در رساله‌اش در باب بهداشت از آن‌ها نام برده است. علاوه بر آن، ابن‌خلصون تلویحاً روش جالینوس را در نمک پاشیدن به نوزاد رد می‌کند، روشی که ظاهراً در آن زمان در غرناطه منسوخ شده بود. به هر روی روش دیگر نمک‌مالی را می‌شد

۱. مثلاً بسنجید با ابن‌وافد، کتاب الأدوية المفردة، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۹ / ج ۲، ص ۱۷۰-۱۷۱، آنجا که می‌گوید جالینوس توضیح داده است که حنا بدون اینکه آسیبی برساند خشک می‌شود.

طبق آثار پزشک دیگری که هم‌وطن ابن‌خلصون اما کمی بعدتر از او بود یعنی دانشمند مشهور جامع‌الاطراف، ابن‌خطیب (درگذشته ۷۷۶ ق)، به کار برد. او در دو اثر خود درباره بهداشت و تغذیه کودکان صحبت می‌کند: کتاب الوصول لحفظ الصحة فی الفصول و کتاب عمل من طب لمن حب که در آن‌ها به روش ابن‌سینا که به نمک مواد جزئی می‌افزاید اشاره می‌کند. در رساله اول او تنها در جمله معترضه‌ای می‌گوید: «کسانی هستند که به نمک آب اضافه می‌کنند و نوزاد را با آن می‌شویند تا [پوست] او را محکم کنند و رطوبت او را بگیرند». در کتاب دوم، وی بسیار صریح‌تر است و فصل مراقبت‌های نوزاد را با ذکر مواردی که از «مراقبت‌های قابل‌ه‌ها از نوزاد» دریافته، آغاز می‌کند. پس از بحث درباره بریدن بند ناف، می‌گوید: «در میان آن‌ها [ضمیر مؤنث]، بعضی بدن [نوزاد] را با آب نمک می‌شویند»؛ پس مؤلف کتاب روش ابن‌سینا را تکرار می‌کند. از آنجا که ضمیر مؤنث «آن‌ها» تنها می‌تواند به «قابلگان» اطلاق شود، ابن‌خطیب شاهی برای این واقعیت می‌آورد که طبق گفته ابن‌سینا، حداقل بعضی قابلگان به نوزادان نمک می‌مالیده‌اند. آنچه نمی‌توانیم دریابیم میزان این استفاده است که ظاهراً به والدینی محدود می‌شود که توان استفاده قابل‌ه‌ای آموزش دیده را داشتند. به نظر می‌رسد زمانی که آب نمک معطر برای نوزادان طبقه بالاتر استفاده می‌شد، برای نوزادان مردم عادی حنا می‌زدند. شاید بتوان از رساله‌های ابن‌خلصون و ابن‌خطیب چنین استنباط کرد که روش جالینوس در نمک‌مالی و همچنین توصیه ابن‌زهر برای تدهین با روغن بلوط ابتکارهای عالمانه‌ای بوده که در غرناطه سده ۸ هجری اتفاق افتاده است. اما این نوآوری‌های عالمانه وقتی که متون پزشکی عربی به لاتینی و دیگر زبان‌های بومی ترجمه شد احیا شدند. گرچه اشاره‌های کمی در باب تقابل میان روش نمک‌مالی و تدهین با روغن بلوط در متون سده‌های میانه هست آنچه در این دوران می‌بینیم روش نمک‌مالی است که ابن‌سینا شرح داده است. البته روش‌های دیگر نیز مورد توجه قرار می‌گیرند. کتاب معروف تروتولا<sup>۱</sup> حمام گرم ساده را توصیه می‌کند. برنارد گوردون (۱۲۶۰-۱۳۱۸ م) از حمام آب گرمی می‌گوید که با کارهای گوناگون دیگری ادامه می‌یابد که البته نمک‌مالی یا تدهین با روغن بلوط نیست. در دائرةالمعارف مشهور انگلیسی بارتولومه (درگذشته ۱۲۷۲ م) گفته شده است که بدن نوزاد را باید با ترکیبی از پودر گل، عسل و نمک مالش داد. ماینو مانیری (درگذشته ۱۳۶۸ م) در کتاب بهداشت خود<sup>۲</sup> به بحث درباره نمک و روغن بلوط پرداخت و با آوردن گفته‌های جالینوس، ابن‌زهر (یا ابن‌رشد) در کنار هم، پیش‌بینی‌ها و نکات شخصی خود را نیز افزود<sup>۳</sup>:

1. *De Mulierum Passionibus*  
2. *Regimen Sanitatis*

۳. در حقیقت، بخش مربوط به مراقبت‌های نوزاد کاملاً اصیل است، زیرا نوشته‌های دیگران را تکرار نمی‌کند؛ و شامل مطالب جالبی درباره روش‌هایی است که زنان فرانسوی به کار می‌بردند.

اما بعضی قدما می‌گویند که باید پس از تولد، به بدن نوزادان پودر نمک نرم پاشید و سپس آن‌ها را خوب قنداق کرد. بند قنداق نباید شل یا سفت باشد. نمک پاشیدن برای استحکام بخشیدن به اعضای بدن و جلوگیری از اثرات عوامل بیرونی مانند گرما، سرما و نظایر آن مناسب است. نمک همچنین پوست را ضخیم‌تر و محکم‌تر می‌کند و رطوبت و ناپاکی‌های پوست را که در کودکان غیرقابل اجتناب است از میان می‌برد. از آنجا که طبیعت نمک باعث سوزش اعضای بدن کودک است برخی مؤلفان برای همان منظور روغن بلوط را پیشنهاد می‌کنند که هم اعضای بدن را محکم می‌کند و هم رطوبت بدن را بدون سوزش از بین می‌برد. این روش برای کودکانی با طبیعت بسیار گرم و سبک (دموی و سودایی) مناسب است، اما شاید برای کودکان با طبیعت بسیار متعادل کاملاً برخلاف این باشد. برای آن‌ها احتمالاً نمک مؤثرتر است؛ و اگر اطفال بلغمی مزاج باشند، نمک [مورد استفاده] باید داغ‌تر و غلیظ‌تر باشد؛ اگر سوداوی باشند باید داغ‌تر و خشک‌تر باشد.

طبق روش کلی کتاب‌های بهداشت تغذیه در سده‌های میانه، ماینو نیز منابع خود را که روش تدهین نوزادان با روغن بلوط را آورده‌اند، ذکر نکرد. گزیده مذکور نشان می‌دهد که ماینو آثار بیش از یک مؤلف را درباره موضوع روغن بلوط خوانده است، اما نمی‌دانیم که آیا مستقیماً از گفته ابن‌زهر آگاه بوده است یا نه. از میان شش مؤلف غیر مسلمان (شامل ماینو) که درباره روغن بلوط صحبت کرده‌اند و در این مقاله نام آن‌ها ذکر شده است، تنها در کتاب یکی از آن‌ها منبعی نقل می‌شود و آن الکلیات ابن‌رشد است. گرچه کتاب الاغذیه ابن‌رشد از سال ۶۹۸ ق به بعد به زبان‌های لاتینی، کاتالانی و عبری ترجمه شد و خوانندگان بسیاری یافت، ممکن است این ترجمه‌ها دربرگیرنده سطوری نباشد که به نمک‌مالی نوزادان و تدهین با روغن بلوط پرداخته بودند.

رویکرد ماینو به نوآوری ابن‌زهر، متعادل و نسبت به جالینوس متعصبانه است. او می‌گوید که این روش، روش قانع‌کننده‌ای است اما روغن بلوط را تنها می‌توان در شرایط خاص توصیه کرد، در حالی که نمک برای بیشتر نوزادان مناسب‌تر است. علیرغم این انتقادات، ظاهراً کتاب بهداشت ماینو به رواج روش ابن‌زهر کمک کرده است، روشی که اغلب در رسائل مربوط به زایمان در دوره نوزایی نقل شده‌اند.

روش ابن‌زهر در نخستین رساله درباره زنان که به زبان محلی دیگری در اروپا نگاشته شده است، دیده می‌شود که تا اواخر سده ۱۷ م و حتی پس از آن بسیار پرفروش بوده است: کتاب گلستان<sup>۱</sup> نوشته اوکاریوس روسلین<sup>۲</sup> به آلمانی در ۱۵۱۳ م روسلین برخلاف ماینو و دیگران روغن مالی را به استفاده از نمک، که آن را حذف کرد، ترجیح داد. با این حال وقتی جراحی (ناف تراشی) را در سطور بعدی

1. Der Schwangern Frauen und hebammen Rosegarten  
2. Eucharius Rösslin

توضیح می‌دهد از کتاب قانون ابن سینا تبعیت می‌کند. در ترجمه انگلیسی کتاب توسط توماس رینو در ۱۵۴۰م، بندی که نویسنده به روش ابن زهر اشاره می‌کند این است:

حال به هدف خود باز می‌گردیم: وقتی ناف بریده می‌شود و بقیه آن جمع می‌شود، بدن طفل را کاملاً با روغن بلوط روغن بمالید زیرا این به تنهایی برای تقویت، استواری و دفاع از بدن در برابر عوامل آزاردهنده بیرونی که ایجاد خطر کند مانند دود، سرما و چیزهای دیگر کفایت می‌کند. اگر نوزاد بلافاصله پس از تولد به این عوامل دچار شود، چون هنوز خیلی لطیف است، به او بسیار صدمه می‌زند. پس از روغن مالی، نوزاد را با آب گرم بشویید.

علاوه بر اینکه [در این متن] از نمک مالی هیچ ذکری نیامده است، دو جنبه دیگر آن باید مورد توجه قرار گیرد: اول اینکه احتمال دارد که مؤلف کتاب از عقل متعارف و روش حمام آب نمک ابن سینا پیروی کرده است، زیرا شستشو با آب گرم را برای از بین بردن روغن توصیه می‌کند. دوم اینکه در این متن هم هیچ منبعی ذکر نشده است.<sup>۱</sup>

تدهین با روغن بلوط، روشی معمول در رساله‌های مربوط به زنان در اسپانیای دوره نوزایی است. دومین رساله از این نوع که به زبان محلی در اروپا نوشته شده است، کتاب هنر دایگی<sup>۲</sup> نوشته دامیا کاربو (درگذشته ۱۵۵۴ م) است که در شهر مایورکا در ۱۵۴۱ چاپ شده است، در فصل مفصلی درباره مراقبت‌های نوزاد، مؤلف گفته‌های مؤلفان دیگر مانند ارسطو، سورانوس، جالینوس و ابن سینا را تکرار می‌کند و می‌گوید:

درست است که نظر ابن رشد قرطبی درباره این روش‌ها منفی است، و باید از چیزهای نرم مانند روغن بلوط استفاده کنیم که سوزش آور نیست. برخی این دیدگاه را قبول ندارند زیرا آن را ضروری نمی‌دانند.

کاربو آگاه است که سودمندی روش درمان ابن زهر مورد تردید است و او درباره این مشکل موضع قطعی نمی‌گیرد. ظاهراً کاربو از کسانی است که با روش ابن زهر متقاعد نشده‌اند، عبارت بالا نشان‌دهنده این است که علیرغم همه پیش‌بینی‌ها تدهین با روغن بلوط در میان راهنماهای پزشکی مراقبت نوزاد جایگاه خود را یافته است. طبق گفته کاربو توفیق این روش درمان مستقیماً به قرائت گسترده الکلیات ابن رشد در اواخر سده‌های میانه ارتباط دارد. کمی پس از این که اثر دامیا کاربو نگاشته شد لو د لوبرا در کتابش به نام کتاب تدبیر بهداشت و ضد عفونی کردن مردان و زنان و پرستاری از نوزادان که در وایادولید در ۱۵۵۱م چاپ شد گفت:

۱. احتمالاً منبع این نقل قول الکلیات ابن رشد، ترجمه کتاب الأغذیه ابن زهر، یا منبعی لاتینی مانند کتاب بهداشت ماینو است.

2. *Libro del arte de las comadres*

ابوعلی سینا می‌گوید که باید نوزاد را با آب نمک شست تا پوست او محکم شود، و تحت تأثیر گرما و سرما و پارچه قنداق قرار نگیرد. چون اگر پوست محکم نشده باشد ممکن است آزاردهنده باشد، به این دلیل که پوست او در بدو تولد بسیار لطیف و حساس است و نوزاد هر چیزی که خشن، سفت و سرد باشد را احساس می‌کند. درست است که امروزه دیگر نوزادان را با آب نمک نمی‌شویند، اما هنوز تدهین با روغن بلوط یا مورد سبز، و شستن آن با آب ولرم واقعاً مفید است.

لوبرا، این بار هم بدون ذکر نام هیچ مؤلفی، روش ابن‌زهر را با افزودن روغن مورد سبز که می‌توان آن را در منابع یونانی یافت به کاربرد نمک، به‌صورت مورد نظر ابن‌سینا (که او می‌گوید دیگر مورد استفاده نیست) ترجیح می‌دهد. هیچ توضیحی درباره دلیل بهتر بودن روش ابن‌زهر داده نمی‌شود، گرچه از محتوای آن به نظر می‌رسد به این دلیل باشد که «بدون سوزش پوست را محکم می‌کند»، و البته هیچ ارجاعی به تجربه‌ای واقعی درباره روغن بلوط نیز نمی‌دهد. تقریباً همان‌گونه که اوکاریوس روسلین حمام آب گرم را پس از تدهین توصیه می‌کند. همچنین رساله اسپانیایی دیگری درباره زنان<sup>۱</sup> از فرانچسکو نونز دی کوریا، چاپ شده در الکالا د هنارس در ۱۵۸۰م، روش ابن‌زهر را تکرار می‌کند، و در بخش مراقبت‌های نوزاد، که از ابن‌سینا بسیار وام گرفته است، مؤلف هر ارجاعی به روش او در نمک پاشیدن را حذف می‌کند و به جای آن از تدهین با روغن بلوط و پس از آن حمام آب ولرم، به‌عنوان تنها روش استحکام پوست نوزاد یاد می‌کند. نونز دی کوریا ظاهراً نظر اوکاریوس در گلستان را منعکس می‌کند که یکی از مهم‌ترین منابع کتابش درباره زنان است. شاید به این دلیل و متأسفانه به خاطر معروفیت ابن‌زهر یا ابن‌رشد بوده است که نونز دی کوریا نام هیچ‌یک را ذکر نکرده است.

### نتیجه‌گیری

استفاده از نمک روی پوست نوزاد- که ویژگی بسیاری از سنت‌های سامی بوده است- به‌وسیله پزشکی یونانی توصیه شده و قرن‌ها عنصر مهمی در راهنماهای پزشکی مراقبت نوزاد بوده است. دو روش اصلی استفاده از نمک، که یکی را جالینوس توصیف کرده و دیگری به زمان سورانوس برمی‌گردد با اندکی تغییرات، به‌دفعات تکرار شده‌اند. هیچ‌یک از مؤلفانی که با این مسئله درگیر بودند، به دلایل مختلف واقعاً برای اثراتی که استفاده از نمک روی پوست بدن نوزاد داشت، نگران نبودند. دلیل اول آنکه وزنه تعلیمات سده‌های میانی مانع این امر بود؛ ثانیاً، آن‌ها احتمالاً به مراقبت‌های نوزاد کمتر توجه داشتند؛ ثالثاً، عموماً قابلگان، مادرها و مادر بزرگ‌ها، بدون مشورت با پزشکان و تبعیت از سنت‌های قدیمی مانند استفاده از حنا، کاری را انجام می‌دادند که فکر

1. Libro intitulado del parto humano

می‌کردند برای نوزادانشان بهترین است. گاهی، پزشکان آن‌ها را روش درمانی مناسبی می‌دانستند. بنابراین، هرچند پزشکی حکیمانه، روش‌های جایگزینی مانند تدهین را تجویز کرد، استفاده از نمک بلامنازع باقی ماند تا ذهن تیزبین ابن زهر، که توانست در مقابل انبوهی از تعالیم مذهبی سده‌های میانه بایستد، متوجه آن شد. ابن زهر که از مشکلات ناشی از کاربرد نمک آگاه بود، از روش توصیه شده توسط ابن سینا، یعنی تدهین با روغن بلوط، استفاده کرد. ظاهراً تنها، شباهت و عقل متعارف مؤید این نوآوری بود، ابداعی که خیلی غیرمنتظره تنها در حاشیه رساله‌ای که موضوع اصلی آن ارتباط خیلی کمی با سلامت کودکان یا زنان داشت، ذکر شده بود. به دلایل مختلف، تدهین با روغن بلوط مثال خوبی از چگونگی نوآوری در سده‌های میانه بود: نوآوری، محصول تحقیق عمیق و مبنی بر تجربه نبود بلکه نتیجه مساعد یک استنتاج بود. نوآوری دیگری از این نوع که بسیار مشهورتر از روغن بلوط است، کشف گردش ریوی خون توسط ابن نفیس بود که آن را نه به واسطه تحقیقی جامع و تجربی بلکه از توجه دوباره به راهنماهای پزشکی به دست آورد که منجر به این دریافت وی شد که مسائل را می‌توان به روش بهتری هم توضیح داد.

تدهین با روغن بلوط، به خاطر پزشک بودن ابن زهر، همچنین حس درونی خوب پیشنهاد وی، و بازتابی که در آثار ابن رشد یافت، در کتاب‌های راهنمای پزشکی دوره اسلامی پذیرفته شد، هرچند روش‌های دیگری هم بودند که مؤلفان معتبرتر از آن حمایت می‌کردند، مانند حمام آب نمک معطر که ابن سینا، به‌عنوان معتبرترین مرجع در پزشکی اسلامی و معروف‌ترین پزشک مسلمان در اروپا، آن را توصیه کرد. نوآوری ابن زهر را دانشمندان سده‌های میانه در اروپای مسیحی با انتقاد پذیرفتند گرچه این روش جزو انبوهی از روش‌های مراقبت از نوزاد بود که در ادبیات پزشکی از زمان سورانوس وجود داشت. به هر روی، روش ابن زهر توجه برخی از پزشکان سده ۱۰ هـ/ ۱۶ م (به‌ویژه در اسپانیا) را که با کتابشناسی این گونه آثار آشنایی داشتند، به خود جلب کرد و آن را به استفاده از نمک ترجیح دادند. شاید برخی گمان کنند که این احیا به خاطر تجدید حیات هوشمندانه‌ای بود که با نوزایی ظهور یافت و توجه مجدد به آنچه مؤلفان مرجع (در این مورد خاص جالینوس و ابن سینا) گفته بودند را در پی داشت. شاید این یکی از دلایل باشد، اما ظاهراً علت اصلی، قضاوت صحیح ابن زهر در چهار سده پیش تر است.